



کتابخانه  
موزه  
و مرکز اسناد  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
۱۰۹۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	
کتاب	
مؤلف	
مترجم	
شماره قفسه	۱۴۴۵
کتابخانه مجلس شورای اسلامی	

باری پندشید  
۱۳۸۷

بازدید شد  
۱۳۸۷

۱  
۱  
۸  
۸  
۳  
۵  
۵  
۷  
۶  
۱  
۱۱  
۸۱  
۸۱  
۳۱  
۹۱  
۵۱  
۸۱  
۷۱  
۶۱  
۰۸  
۱۸  
۸۸  
۸۸  
۳۸  
۹۸  
۵۸  
۸۸  
۷۸  
۶۸  
۰۸

۱۰۹۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب

مؤلف

مترجم

شماره قفسه ۱۴۴۰۵

شماره ثبت کتاب ۸۹۹۱۰۴

میراث ملی ایران



بازدید شد  
۱۳۸۷

۱۰۹۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب

مؤلف

مترجم

شماره قفسه ۱۴۴۰۵

مجله اسلامی

شماره ثبت کتاب ۸۶۹۰۲



[illegible]



کتاب فیض  
۱۳۲۵  
۱۹۹۳



بسم الله الرحمن الرحيم

چون ملک سخن کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث کل امیر ذوال  
از جهاد علی سخن آغاز شد. **اما** زین کلامی که در این کتاب درج شده است و در حدیث آمده است که  
اخبار است و دنیا و حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
مملکت را در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
میان کس و حاجت بجز معرفت کشته بکشد که از حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
استان قد و رشتن و تازیدن و عبادات بجهت برپا شدن و در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
علی بن ابی طالب کاشان **اما** ای طاعت و در مایه اسناد کیم. بخش که در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
و صفای زبان. و در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
الیه و مطلق صحیح و لا بد از حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
توضیح دیوان فصاحت و بلاغت و در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
مملکت را در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
اشهر و علیه و علیه مملکت را در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
نما و حاکم بای مطلق یاد. بجهت یاد و در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
الهی و علیه و علیه مملکت را در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
وین حدیث است. که در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
موسی که ها و قیام بود. بکلام ختم و دعای علم بود. در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که

الهم

اها و تقی. بنی امیه و بنی عباس. در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
حسن ان پیشای اهل ایمان. در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
انا و علی بن قریب و واحد اقصی. در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
نعمان. **اما** شاه عربی و شاه اهل اسلام. در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
پیدا است که از حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
مستقیم نماید. **اما** در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
از حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
لیس. **اما** در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
با و مملکت. **اما** در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
مجموعه و مکرر. **اما** در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
مهر و در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
عبدالله قطره. **اما** در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
گشاید. **اما** در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
و در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
بسیر و سیاحت قری. **اما** در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
ایشان. **اما** در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
و در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
از وی. **اما** در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
احسان و فیض انعام بیکران او علیا. **اما** در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که  
**اما** در حدیث کوی با عداد مملکت در کلشن اخبار زبان باز کند و بر طبق حدیث آمده است که



















































[illegible]





















3

[illegible]



















































































[illegible]

















































卷之四

720





















































































































































بابو جیرو داؤدی

با بعضی دارند که در اینجا به آن است که در زمان او فتاوه و در حقانیت ضعف و افتادگیست اطلاع بر او دارد  
 موسی که خطاب او پیش از این بود و او را حاضر با حق تعالی او گفت موضع قبی یوسف را میباید گفتند و بیایم  
 و یکماد فرست موسی گفت انقضی را این میباید که است و نه ما که میباید و چنین روی او را با این که است  
 فتاوه است و فتاوه را میباید که چنین بر این است که در وقت او را بخود میباید که بر این است که  
 بر آن غزو و کران احد و فکر این است که و میباید که در وقت او را بخود میباید که بر این است که  
 میباید که در وقت او را بخود میباید که بر این است که در وقت او را بخود میباید که بر این است که  
 خواستند بر او داد و در این موضع قبی یوسف را میباید که در وقت او را بخود میباید که بر این است که  
 از دست میباید که در وقت او را بخود میباید که بر این است که در وقت او را بخود میباید که بر این است که  
 بخود میباید که در وقت او را بخود میباید که بر این است که در وقت او را بخود میباید که بر این است که  
 که با احد این میباید که در وقت او را بخود میباید که بر این است که در وقت او را بخود میباید که بر این است که  
 از حضرت امام و صفای معنی بشماره اخلاص میباید که در وقت او را بخود میباید که بر این است که  
 بهتر بر محبت الله و میباید که در وقت او را بخود میباید که بر این است که در وقت او را بخود میباید که بر این است که  
 و میباید که در وقت او را بخود میباید که بر این است که در وقت او را بخود میباید که بر این است که  
 میباید که در وقت او را بخود میباید که بر این است که در وقت او را بخود میباید که بر این است که  
 و میباید که در وقت او را بخود میباید که بر این است که در وقت او را بخود میباید که بر این است که  
 من او را در وقت او را بخود میباید که بر این است که در وقت او را بخود میباید که بر این است که  
 تعالی او را در وقت او را بخود میباید که بر این است که در وقت او را بخود میباید که بر این است که  
 معلوم اند و میباید که در وقت او را بخود میباید که بر این است که در وقت او را بخود میباید که بر این است که  
 بر احم اصفا که در وقت او را بخود میباید که بر این است که در وقت او را بخود میباید که بر این است که  
 احد این میباید که در وقت او را بخود میباید که بر این است که در وقت او را بخود میباید که بر این است که  
 میباید که در وقت او را بخود میباید که بر این است که در وقت او را بخود میباید که بر این است که  
 میباید که در وقت او را بخود میباید که بر این است که در وقت او را بخود میباید که بر این است که











































































فی میوه شمشیر و جفا سحر بنی لیدر ز غار لان تنگانه از الم

(برای کتابخانه عمومی  
شماره ثبت کتابخانه  
۱۳۰۲/۱۳۰۳)

امیر محمد علی بن نوکری  
ارسلان و اعلی بن عمار  
نوکرین جلاله مبارک  
یوسف یعقوب بن نوکری  
بیتیر بن عیسی بن ابوالخضر

بیتیر بن عیسی

ارسلان

نوکری







